ویژگی‌های «اسفندیار» در نمایش «هفت خوان اسفندیار» چیست؟

امین زندگانی و چالش‌های متفاوت یک نقش

امین زندگانی از تجربه حضور در نقش «اسفندیار» در نمایش «هفت خوان اسفندیار» و چالش‌های متفاوت این نقش سخن گفت.

نمایش موزیکال «هفت خان اسفندیار» به تهیه کنندگی و کارگردانی حسین پارسایی این روزها بر روی صحنه تالار وحدت است.

این روایت داستانی جذاب اما کم‌تر شناخته شده از شاهنامه فردوسی است که بیش از ۱۵۰ صفحه از این اثر منظوم را به خود اختصاص داده و به مخاطب کم اطلاع، یادآور می‌شود که اسفندیار رویین تن نیز همچون رستم، هفت خان پر فراز و نشیب را از سر گذرانده است.

بازی در نقش پهلوانی رویین تن را امین زندگانی برعهده گرفته است.

این تجربه نخستین تجربه کار تاریخی این بازیگر است اما چون نخستین تجربه نقش تاریخی او در تئاتر است، موجب شده تا با چالش‌های متفاوتی در این عرصه مواجه شود.

زندگانی موفقیت خود در این زمینه را نیز مدیون تیم حرفه‌ای و همدلی گروه بازیگران می‌داند و معتقد است: این همراهی موجب شده تا هر شب بتوانند این کار سنگین را به بهترین شکل ممکن بر روی صحنه بیاورند.

ایسنا به بهانه حضور امین زندگانی در تئاتر «هفت خان اسفندیار» با او به گفتگو پرداخته که در ادامه می خوانید:

آقای زندگانی چطور شد که شما به تیم بازیگری تئاتر «هفت خان اسفندیار» پیوستید و بازی در نقش اسفندیار را پذیرفتید؟

من تقریبا از سال ۱۳۷۳ با آقای حسین پارسایی آشنایی دارم. چه زمانی که به عنوان کارگردان فعالیت داشته‌اند و چه زمانی که فعالیت مدیریتی داشته‌اند ایشان را می‌شناختم. در چندین پروژه هم قرار شد با ایشان همکاری داشته باشم؛ اما هر بار به دلایل گوناگون این همکاری صورت نمی‌گرفت. تا اینکه ایشان برای تئاتر «هفت خان اسفندیار» با من تماس گرفتند و پیشنهاد بازی در نقشی غیر از اسفندیار را به من دادند. ابتدا من درگیر پروژه دیگری بودم و برای همین نمی‌توانستم در خدمت ایشان باشم. ۱۰ روز بعد به دلایلی کار قبلی ام به تعویق افتاد و وقتی مجدد بازی در تئاتر «هفت خان اسفندیار» پیشنهاد شد، گفتم پروژه قبلی‌ام فعلا کنسل شده است و خوشحال می‌شوم تا در این تئاتر همکاری داشته باشم که اینبار به من نقش اسفندیار پیشنهاد شد. شروع کار من نیز از روزهای پایانی بهمن ماه سال گذشته آغاز شد و من سعادت آن را داشتم تا با این گروه حرفه‌ای کار کنم.

شما تا کنون در نقش‌هایی تاریخی همچون «ملک سلیمان» و «مختارنامه» حضور داشته‌اید با این وجود در تئاتر این نخستین حضور شما برای بازی در یک نقش تاریخی محسوب می‌شود. از تجربه بازی تاریخی بر روی صحنه تئاتر بگویید.

تا قبل از آنکه من نقش اسفندیار را بر روی صحنه بازی کنم بیشتر نقش‌های تاریخی من در عرصه تصویر بوده و این نخستین تجربه نقش تاریخی من در تئاتر است. نقشی بسیار سنگین که اگر مهندسی پشت صحنه و همکاری درجه یک همه گروه نبود شاید نمی‌توانستم از پس این نقش بربیایم. خوبی گروه این است که همه یک دست و یک دل هستند و اگر همراهی گروه با هم نبود نمی‌توانست هر شب کار ۲ ساعت اینطور دقیق بر روی صحنه بیاید. برای هر اجرا یک تیم تقریبا ۱۰۰ نفره پشت صحنه در حال کار کردن است تا بتوان هر شب یک نمایش منسجم را بر روی صحنه آورد. تا قبل از حضور در «هفت خان اسفندیار» تمام تجربیات تاریخی من تصویری بود و طبعا بازی در نقش یک شخصیت تاریخی در قالب تئاتر و حضور در تالار وحدت کاری متفاوت‌تر است. برای همین این تجربه، تجربه‌ای بسیار جدید است و نمی‌توانم بگویم تجربه‌های قبلی‌ام چندان می‌توانست به من برای بازی در این نقش بر روی صحنه تئاتر کمک کنند.

شرایط متفاوت تئاتر با تصویر باعث شد تا برای شما این تجربه یک تجربه متفاوت نسبت به کارهای قبلی‌تان باشد؟

بله، دقیقا همینطور است. از طرف دیگر با توجه به اشرافی که آقای حسین پارسایی به عنوان کارگردان و آقای علی براتی به عنوان طراح حرکت نمایش بر روی کار داشتند و تجربه‌ای که در زمان تمرین‌ها به دست آمد موجب شد تا هدایت کار به بهترین شکل ممکن صورت گیرد. خوبی گروه بازیگرها هم در این است که آنها حواس‌شان به هم هست و در این زمینه به همدیگر بسیار کمک می‌کنند و از این طریق نکات خوبی انتقال داده می‌شود. بازیگران برای هم پیشنهادهای خوبی دارند تا روند کار به خوبی پیش برود. این ویژگی در کنار تیم خوب کارگردانی بسیار کمک کننده بوده. همه دست به دست هم داده‌اند تا این اجرای سنگین با بالاترین کیفیت هر شب به روی صحنه برود.

شما برای رسیدن به نقش اسفندیار چقدر تلاش کردید تا با درک کامل آن را بازی کنید.

من معتقد به سختی هستم که منسوب به حضرت مولاناست و می‌فرمایند همه در تو هستند. ما همه در درون‌مان رستم، اسفندیار، ارجاسب و... را داریم. به نوعی همه کس در ما وجود دارد. باید بگردیم و آنها را درون خودمان پیدا کنیم. اصولا بر این باورم وقتی یک تیم تحقیقاتی پشت فیلمنامه و نمایشنامه‌ای قرار دارد و اسامی بزرگ و مشاورهای بزرگی نیز در آن دیده می‌شود؛ دیگر بازیگر نیازی نمی‌بیند بخواهد در این زمینه تحقیقی فراتر داشته باشد. هدایت آقای پارسایی به همراه متن خوب، برای من به اندازه کافی ماخذ مطمئنی بود تا نیاز نداشته باشم برای اسفندیاری که بر روی صحنه می‌بینید کار تحقیقاتی ویژه‌ای انجام دهم. بازیگر همین که لایه‌های مستتر در دیالوگ‌ها، سکوت‌ها و اتفاقات را با راهنمایی کارگردان و نقطه نظراتی که نویسنده دارد درک و پیدا کند می‌تواند آن را به خوبی به اجرا درآورد. من هم امیدوارم در این نمایش توانسته باشم ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کنم.

یعنی شما برای آنکه به نقش اسفندیار برسید با چالش خاصی مواجه نشدید؟

چالش در سبک اجرا و نظم اجرا داشتم که نیاز به انرژی بسیار زیادی دارد. توان خاص فیزیکال و توان روحی و روانی ویژه‌ای می‌خواهد که من به تدریج به آن نزدیک شدم تا بتوانم به آنچه مورد نظر کارگردان است برسم و با نقش ارتباط برقرار کنم. از این رو در طول تمرین‌هایی که انجام شد توانستم بهتر و بهتر اسفندیار را بشناسم و با این نقش آشنا شوم.

موزیکال بودن تئاتر «هفت خان اسفندیار» یک ریسک بود. هر چند تجربه تئاترهای موزیکال «بینوایان» و «اولیور توئیست» را پیش از این کارگردان داشت اما چون آنها آثار ترجمه بودند دست ترانه سرا باز بود. ریسک موزیکال شدن اثر شاهنامه را چطور دیدید؟ چون برخی از منتقدان این توقع را داشتند که از همان اشعار فردوسی در کار استفاده شود. نظر شما در این زمینه چیست؟

آقای حسین پارسایی نگاه خوبی به این کار دارد و معتقد است کار را باید به کاردان سپرد و آقای کوهستانی با توجه به تجربه کارگردان، حضور مشاوران، آهنگسازی همچون پوریا خادم، رهبر ارکستری همچون بردیا کیارس توانست وزن اشعار و قافیه‌ها را به بهترین شکل ممکن به کار نزدیک و شبیه کند و تماشاگر امروز هم به هرحال آنچه بر روی صحنه می‌بیند را به عنوان قرارداد می‌پذیرد. ضمن اینکه همه کسانی که در این پروژه حضور دارند در کارشان بسیار حرفه‌ای هستند و قاعدتا قبل از آنکه کار به اجرا برسد این نگرانی‌ها مرتفع شده و درصد ریسک آن پایین آمده. اما همیشه سلیقه مخاطب، جزو ناشناخته‌ترین بخش‌های یک اثر بوده. تا اثر بر روی صحنه نرود و ساخته و ارائه نشود، نمی‌شود گفت یک کار مسیرش را تا چه میزان درست پیش رفته است و در هر صورت این موضوع ویژگی کار ماست.

تئاتر «هفت خان اسفندیار» به صورتی آغاز می‌شود که داستان آن برای برخی مخاطبان گنگ به نظر می‌رسد. آیا برای آنکه تماشاچی بتواند خود را با این تئاتر همراه سازد نیاز به مطالعه دارد تا با حال و هوای قصه همراه شود؟

این ویژگی درام است. ایجاد انتظار، گنگی و در نهایت پاسخ دادن به سوالات ابتدای کار مخاطب، ویژگی درام است و می‌بینید که در این اثر خیلی خوب کار شده و تماشاگر را ابتدا کنجکاو می‌کند. بنابراین مخاطب حتی اگر از قبل مطالعه‌ای هم نداشته باشد در اینجا با قصه و روایت آشنا می‌شود. به هر حال اتفاقی افتاده، تجاوزی به مملکت صورت گرفته شده، تهدید و اسارتی رخ داده و پیغامی هم برای کسی که در سیاه چاله است گذاشته شده و حالا بزرگان آن مملکت می‌خواهند این آدم بیاید، ببخشد و کمک کند. این روند داستان شاید در ۱۰ دقیقه نخست این سوال را برای مخاطب ناآشنا ایجاد کند پس اسفندیار کجاست؟ وقتی که اسفندیار وارد می‌شود نیز در هر خانی که پیش می‌رود پاسخ سوالی داده می‌شود. در نتیجه فکر می‌کنم بعد از دیدن کل نمایش، تمام سوالات پاسخ داده می‌شود.

برخی بر این عقیده هستند که دیگر ادبیات کهن و آثار کلاسیک برای نسل امروز مورد توجه نیست و آن را نمی‌پسندند. برای همین هم سرمایه‌گذار در این زمینه ریسک نکرده و ورود نمی‌کند. شما در این زمینه چه نظری دارید؟ آیا دوره پرداختن به ادبیات کهن تمام شده است؟

«هفت خان اسفندیار» این وحشت را از بین برد و نشان داد استقبال از سوی مخاطب وجود دارد. در هر صورت شما نمی‌توانید یک اثر بزرگ را با پروداکشن کوچک روی صحنه ببرید. پرداختن به هر اثری باید به اندازه خودش باشد. اگر «بینوایان» موفق بود به این دلیل بود که در اجرای آن، بزرگی رمان رعایت شده است. شاهنامه اثر کوچکی نیست که در قالب‌های کوچک‌تر به آن ورود کرد. برای همین اگر بخواهیم در قالب‌های کوچک‌تر ورود کنیم موفق نخواهیم بود، سرمایه گذارهای خُرد به نتیجه مطلوب مالی نخواهند رسید و تجربه خوبی بر روی صحنه نخواهد داشت.

ضمن اینکه باید بین مخاطب امروز و این آثار کهن زبان مشترکی پیدا کرد تا ارتباط برقرار شود. یک بخش آن زیبایی‌های بصری است که هزینه بردار هستند تا از این طریق بتوان تماشاگر را ترغیب به دیدن کرد. در نتیجه با شاهنامه باید مدل شاهنامه برخورد کرد. اگر اینطور نباشد باعث دلزدگی مخاطب خواهد شد. افراد توانمند وارد کار شوند هم سرمایه گذاران راغب خواهند شد در این زمینه ورود داشته باشند و هم افراد کار بلد دیگری که تصور می‌کنند جای کار وجود ندارد هم ورود خواهند کرد تا با بالاترین استانداردها به ساخت آثار ماندگار بپردازند. در این شرایط نه تنها من بلکه بازیگرهای بسیاری نیز به رقابت خواهند پرداخت تا بتوانند در این آثار حضور داشته باشند و نام خود را با چنین آثار قویی در تاریخ هنر ایران ماندگار سازند. گفتنی است: «هفت خان اسفندیار» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است و علاوه بر زندگانی، بانیپال شومون،فریبا کوثری، امیررضا دلاوری، امیر کاوه آهنین جان، اصغر پیران، محسن حسینی، رضا راد، مونا صوفی، ندا سیاس، نیکا افکاری، سایه پارسایی دیگر بازیگران آن هستند.

بهرام مقدادی طلایه‌دار نقد ادبی نظریه‌مند در ایران بود

گنجینه‌ای که در انزوا رفت

حسینعلی قبادی با بیان این‌که بهرام مقدادی طلایه‌دار نقد ادبی نظریه‌مند در ایران است می‌گوید: دکتر مقدادی آدم بسیار فروتن و متواضعی بود، او دنبال شهرت‌طلبی، جاه‌طلبی و غوغاسالاری نبود. میدان رقابت‌ها که بعضا ناشی از کم‌تحملی ماست، عرصه را برای او تنگ می‌کرد.

این نویسنده، منتقد، پژوهشگر و استاد زبان و ادبیات فارسی در گفت‌وگو با ایسنا درباره بهرام مقدادی، منتقد ادبی، مترجم و استاد دانشگاه که در سکوت خبری از دنیا رفت، گفت: از خبرگزاری ایسنا ممنونم که نسبت به این امر توجه کرده است، زیرا پرداختن به شخصیت‌های بلندمرتبه دانشگاهی و توجه به آثار آن‌ها و همچنین پایگاه و منزلت این شخصیت‌ها، در حقیقت بخشی از مسائل جریان دانشجویی هم هست و فقط بحث استادان نیست و این موضوع دقیقا در چارچوب رسالت ایسنا، مسائل فرهنگی و ادبی و دانشجویی جا می‌گیرد.

قبادی سپس با بیان این‌که دکتر بهرام مقدادی استاد درس «مکتب‌های ادبی» او در دوره دکتری و استاد مشاور رساله دکتری‌اش بوده است، افزود: دکتر مقدادی همیشه در عرصه نقد ادبی دستگیری و راهنمایی می‌کرد. توفیق داشتم در مسئولیت‌های مختلف اجرایی، سالانه لااقل یک بار از او دعوت کنم که حضوری در خدمتشان باشیم و گاه از من می‌خواست دانشجویان ممتازی را به عنوان دستیار خدمت‌شان بفرستم.

او سپس با اشاره به مراحل نقد ادبی در ایران از نقد و بلاغت قدیم تا نقد میراثی و آشتی با نقد جدید، درباره جایگاه دکتر مقدادی در نقد ادبی توضیح داد: می‌توانیم مجموعه تاریخ نقد ادبی جدید را در ایران به پنج دوره و مقطع مشخص تقسیم کنیم؛ مقطع اول، بعد از جنگ‌های ایران و روس تا مشروطیت که با مفاهیم اولیه از نقد جدید مواجه می‌شویم که چندان میدان عمل پیدا نمی‌کند. مقطع دوم، از مشروطیت تا سال ۱۳۲۰ که ببشتر شیوه تصحیح و تحلیل متون ادبی جای خود را باز می‌کند. مقطع سوم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ که عمدتا نقد ایدئولوژیک با مرامی خاص قدرت می‌گیرد و نقد ادبی به معنای حقیقی، یعنی فهم و تحلیل جوهره هنری متن متولد نشده است. مقطع چهارم از ۱۳۳۲ تا اواسط دهه ۵۰ را شامل می‌شود که فعالیت نسل اول و دوم و تا حدودی نسل سوم به ثمر می‌نشیند و امثال مرحوم دکتر زرین‌کوب کتاب نقد ادبی را می‌نویسد که به رغم دانش وافر ایشان در زمینه‌های گوناگون ادبیات، این اثر فاخر عملا تاریخ نقد است نه نظریه و روش نقد.

او ادامه داد: از کوشش‌های عالمانه امثال دکتر خانلری و استاد شفیعی که بگذریم کسی را میدان‌دار نقد نظریه‌مند نمی‌بینیم مگر زنده‌یاد دکتر بهرام مقدادی. البته ارزش کوشش‌های انتقادی عالمانه دیگر بزرگان در جای خود محفوظ است ولی کار آنان بیشتر در نقد عملی یا پژوهش‌های انتقادی بود. جایگاه امثال مرحوم رضا سیدحسینی هم ممتاز است، اما ایشان نه مدعی نقد نظریه‌مند بود نه به آن روی آورد بلکه منتقل‌کننده و مترجم «مکتب‌های ادبی» بود. ولی دکتر مقدادی تمام هم و غم خود را مصروف تحقق و تعین نقد پیشرفته نظریه‌مند کرد و پیشتاز ماند و دائما چوب پیشتازی خود را هم خورد زیرا دیگرانی که به او نمی‌رسیدند، می‌خواستند او را پایین بکشند و عقب نگه دارند. ولی استاد مقدادی شرف پیش‌قراولی در علم را هیچ‌گاه به هیچ چیز نفروخت. آری او موفق شد در نقد ادبی معاصر ایران، مقطع پنجمی را رقم بزند که نقدها بر مبنای آخرین مطالعات جهانی، کاملا روش‌مدار، ممتاز و نظریه‌مند صورت بگیرند.

او با تاکید بر این‌که جایگاه مقدادی در نقد ادبی جدید به معنای اخص، بسیار ممتاز و ویژه است، گفت: ایشان از نادر کسانی بودند که دکتری ادبیات انگلیسی با گرایش نقد ادبی گرفتند و از میان ایرانیان که در امریکا فارغ‌التحصل شده به ایران و دانشگاه تهران برگشته بود و از طرف دیگر همه اهتمامش در حوزه نقد متمرکز بود. «فرهنگ اصلاحات نقد ادبی: از افلاطون تا عصر حاضر» یکی از دستاوردهای او در زمینه نقد ادبی بود. هرکسی این کتاب را بخواند، متوجه می‌شود که دکتر مقدادی همه این مفاهیم را هضم کرده و چه آسان و گویا به زبان فارسی برگردان کرده است. او هم مفاهیم جدید را بیان کرده و هم بازخوانش ایرانی از این مفاهیم داشته که کتابش جنبه معلمی و تدریسی گرفته است. این کتاب، کتابی است متقن، آسان و معتبر و گویا با کارآمدی علمی و تحقیقاتی و آموزشی بسیار بالا.

قبادی در ادامه خاطرنشان کرد: نقد ادبی جدید یعنی این‌که بر پایه نظریه‌های ادبی جهان متن‌های ایرانی و غیرایرانی را بتوانیم بخوانیم و نقد کنیم. در این‌جا فرض را بر این می‌گیریم که بلاغت قدیم و نقد سنتی ما محفوظ هستند زیرا بدون تکیه به مفاهیم بلاغت قدیم نمی‌شود مثلا زمانی که در حوزه مفاهیم جدید مفاهیمی چون فرمالیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سوررئالیسم و ... را مطرح می‌کنیم باید بدانیم کنایه چیست، تشبیه چیست، آرایه ادبی چیست و... . مقدادی کوشید نقد ادبی ما را یک گام به جلو ببرد و بتواند با موازین علمی جهان پیوند بزند و بر آن مبنا تحقیق کند.

او سپس بیان کرد: دکتر مقدادی فردی آکادمیک بود و به دانشجوی دکتری آزادی می‌داد که موضوع را خودش انتخاب کند. متن‌ها را با دقت می‌خواند و راهنمایی می‌کرد. واقعا درس مکتب‌های ادبی در دانشگاه ما (دانشگاه تربیت مدرس) با توجه به دانش و تسلط او، درس ارزنده، شکوفا و پرثمری بود. دکتر مقدادی بر ادبیات کلاسیک تسلط داشت و این موضوع درخور توجه بود و دور از انتظار ما بود. دکتر مقدادی آدم بسیار فروتن و متواضعی بود، او دنبال شهرت‌طلبی، جاه‌طلبی و غوغاسالاری نبود. میدان رقابت‌ها که بعضا ناشی از کم‌تحملی ماست، میدان را برای او تنگ می‌کرد و با توجه به فروتنی ذاتی که داشت، این موضوع تأثیر منفی در او می‌گذاشت، با توجه به دانش وافری که داشت به جای این‌که برایش میدان‌گشایی کنند، میدان‌ها را تنگ می‌کردند و این عوامل بیرونی بر انزوای او تأثیر گذاشت.

جایزه داستان سیمرغ در ایستگاه آخر

مراسم پایانی ششمین جایزه «داستان سیمرغ» با حضور برگزیدگان، داوران و تعدادی از داستان‌نویسان در نیشابور برگزار شد. به گزارش ایسنا به نقل از دبیرخانه این جایزه، در ابتدای این مراسم، مصطفی بیان، موسس و دبیر انجمن و جایزه داستان سیمرغ ضمن خوشامدگویی گفت: حکایت‌ها و قصه‌های کوتاه ادبیات عرفانی عطار به شکلِ گذشته پاسخ‌گوی نیاز امروز نیست و باید با روش‌های نوین و زبانِ امروز، قصه‌های عرفانی عطار را به مخاطبِ امروز معرفی کرد تا با این روش، یادگار و گنجینه ارزشمند گذشتگان را پاسداری کنیم.

او افزود: وجود ۲۰۰۰ قصه در مجموعه آثار عطار، گنجینه‌ای ارزشمند برای ادبیات داستانی امروز ایران و به ویژه داستان‌نویسان جوان ایرانی است. به همین دلیل یکی از اهداف انجمن داستان سیمرغ به عنوان تنها انجمن داستان‌نویسی شهرستان نیشابور، پاسداری از گنجینه ارزشمند گذشتگان، به ویژه ادبیات عرفانی و ادبیات زیستی است، که می‌تواند به معرفی نیشابورِ بزرگ کمک شایان کند.

در ادامه این مراسم، انسیه ملکان، یکی از داوران بخش نهایی ششمین جایزه داستان سیمرغ، متن بیانیه هیات داوران را خواند. او در بخشی از بیانیه توضیح داد: اگر دستمان چنین کوتاه نبود همه را می‌دادیم کتیبه‌ای بنویسند بر کوه قاف چرا که فارغ از اسلوب و قواعد، ارابه لسان و احساس و اندیشه را رانده بودند. جدا ساختن آنها به سختی بیرون کشیدن شریانی از میان گوشت و پوست و خون می‌نمود. امید که به عدالت برگزیده باشیم.

سعی مان این بود هر داستان را با خودش قیاس کنیم در بستر دنیای نویسنده. گذر از باورمندی داستان بود، نه آن باوری که عقل سلیم روی آن صحه می‌گذارد آن حقیقت مانندی که جهان داستان می‌طلبد.

ملکان در ادامه بیان کرد: و این‌که ما سه داور بخش نهایی از سه جهت هم سلیقه نبودیم اول این‌که سه نفریم و فردیت مطرح می‌شود و تفاوت جنسیتی و البته جهان‌بینی و شرایط زیستی ما هم حکم می‌کند به سختی به آراء مشترک برسیم و تا اندازه‌ای هم سلیقه می‌تواند نقش ایفا کند اما در نهایت با گفت‌وگو این گره باز شد. اولین لوح به داستانی اختصاص یافت که بیشترین سهم را از عدم خودسانسوری داشت و از زمان فعلی بهره گرفته بود و به قولی نویسنده فرزند زمانه خودش بود و خودش را زیسته بود و البته با این شرط که اولین لزوما بهترین نیست. طبق سنت هر دوره که در آیین پایانی جایزه داستان سیمرغ، از داستان‌نویسان پیشکسوت و موفق شهرستان نیشابور تقدیر می‌شود، در آیین پایانی ششمین جایزه داستان سیمرغ، از مریم اسلامی، داستان‌نویس و شاعر کودک و نوجوان تقدیر شد.

اخبار کوتاه

مرکز آموزش هنری بنیاد رودکی برگزار می‌کند
کارگاه آموزشی «روش تدریس پیانو» رضا طاهری

کارگاه آموزشی «روش تدریس پیانو» با همکاری رضا طاهری پنج‌شنبه چهارم خرداد در تالار دهلوی برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، این کارگاه که با موضوع اصول و شیوه تدریس پیانو، توسط مرکز آموزش هنری بنیاد رودکی و با تدریس رضا طاهری در روز پنج‌شنبه ۴ خرداد ساعت ۱۰ صبح در تالار دهلوی برگزار می‌شود، برای علاقه‌مندان به تدریس پیانو در سطح مقدماتی (پایه) ارائه خواهد شد. مباحث آموزشی این کارگاه بر اساس کتاب «آموزش نوین پیانو کلاسیک» نوشته هانس گونترهویمان و با ترجمه رضا طاهری خواهد بود. از مشخصه‌های ویژه این روش آموزشی می‌توان به شیوه بیان ساده، ترتیب منظم و مناسب در ارائه مطالب و جزئیات به هنرجویان اشاره کرد. رضا طاهری کارشناس ارشد نوازندگی ساز جهانی از دانشگاه هنر، در حال حاضر به عنوان مدرس پیانو در هنرستان موسیقی، دانشگاه‌های هنر، آزاد و علمی کاربردی فعالیت دارد. همچنین هنرجویان در پایان کارگاه، گواهی شرکت در دوره دریافت می‌کنند. علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با مرکز آموزش هنری بنیاد رودکی به شماره‌های ۶۶۷۴۳۳۵۸-۶۶۷۴۳۳۵۹-۶۶۷۴۳۳۶۱ تماس بگیرند.

طرح مسکن سینماگران عملیاتی می‌شود

رئیس سازمان سینمایی از عملیاتی شدن مصوبه شورای عالی سینما در حوزه مسکن سینماگران خبر داد. به گزارش اداره‌کل روابط عمومی سازمان سینمایی، محمد خزاعی با اشاره به اهتمام این سازمان در پیگیری مسائل مختلف در حوزه رفاه و معیشت سینماگران در سال ۱۴۰۲ گفت: پیگیری مسکن سینماگران از جمله اولویت‌های سازمان سینمایی در سال جدید است. وی با اشاره به معضل عمومی مسکن در کشور افزود: طبعا خانواده سینما نیز به عنوان بخشی از جامعه از دغدغه‌های معیشتی مردم و معضل مسکن مستثنی نیستند. این در حالی است که به استثنای تعدادی سلبریتی در این حوزه، قاطبه اعضای صنوف سینما، فاقد مسکن بوده و متاسفانه تا کنون به دلایل مختلف برنامه جامع، پایدار و دارای چشم اندازی روشن در این حوزه برای سینماگران طراحی و تدوین نشده بود.

خزاعی با بیان اینکه مسکن به عنوان یکی از معضلات ریشه‌ای و قدیمی تعداد زیادی از اعضای خانواده سینما همواره مطرح بوده است خاطرنشان کرد: بعد از پیگیری این طرح و تصویب شورای عالی سینما، با مساعدت وزارت مسکن و شهرسازی مقرر شد سهمی از مسکن ملی با طرح اولویت‌بندی به افراد مشمول و واجد شرایط تعلق گیرد. رئیس سازمان سینمایی، اجرایی شدن این توافق را اقدامی مهم در خانه‌دار شدن بخش قابل توجهی از سینماگران نیازمند معرفی کرد و ادامه داد: در سال‌جاری از همه ظرفیت‌های سازمان سینمایی، نهادها و ارگان‌های دیگر برای تحقق این امر استفاده خواهیم کرد. وی با بیان اینکه مکاتبات لازم با صنوف سینمایی برای معرفی افراد واجد شرایط صورت گرفته است، عنوان کرد: رویکرد سازمان سینمایی در سال جدید متمرکز بر رونق تولید، توسعه اشتغال و بهبود معیشت خانواده سینما خواهد بود و یکی از اهداف ما پیگیری کاهش مسائل معیشتی همکاران است که امیدوارم با مساعی، همراهی و هم‌افزایی سینماگران و صنوف سینمایی این موضوع شکل اجرایی‌تری پیدا کند.

لغو اعطای یک جایزه به «نیکول کیدمن»

موسسه فیلم آمریکا اعلام کرد که برنامه اعطای جایزه امسال خود به «نیکول کیدمن» را به دلیل اختلافات در جامعه سینمایی در مقطع فعلی، به زمان دیگری موکول کرده است.

به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، موسسه فیلم آمریکا تایید کرد که اعطای چهل و نهمین جایزه سالانه دستاورد سینمایی خود را به دلیل اعتصاب نویسندگان هالیوود به تعویق انداخته است. این رویداد برای ۱۰ ژوئن برنامه ریزی شده بود. این نهاد سینمایی در بیانیه ای گفت: «برای نزدیک به نیم قرن، جایزه دستاورد زندگی موسسه فیلم آمریکا (AFI)، هنرمندان و مخاطبان را برای تجلیل از برتری در شکل هنری گرد هم آورده است. با توجه به اختلافات اخیر در جامعه سینمایی، موسسه تصمیم گرفته است که رویداد امسال را با هدف ایجاد شرایط شایسته دریافت کننده جایزه به تعویق بیندازد. هنوز خبری از تاریخ جدید اعطای این جایزه نیست چرا که برخی انتظار دارند اعتصاب نویسندگان هفته‌ها و شاید ماه‌ها ادامه یابد. آخرین اعتصاب نویسندگان که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، ۱۰۰ روز به طول انجامید. اعتصاب فعلی ساخت تولیدات سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی را تحت تأثیر قرار داده است و منجر به لغو، به تعویق افتادن و تغییر قالب برخی برنامه‌ها شده است. انجمن نویسندگان آمریکا (WGA) با اعلام اختلافات گسترده با استودیوهای فیلمسازی از چند روز پیش، نخستین اعتصاب سراسری خود را در ۱۵ سال اخیر آغاز کرده‌اند. این انجمن در یک سند طولانی پیشنهادهایی در راستای افزایش حق و حقوق نویسندگان در صنعت سینما و تلویزیون آمریکا مطرح کردند که این پیشنهادات از سوی اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون آمریکا پذیرفته نشده است.

«نیکلاس کیج» در دنباله «ارباب جنگ»

نیکلاس کیج پس از ۱۸ سال بار دیگر در نقش «یوری اورلوف» در دنباله فیلم «ارباب جنگ» به کارگرانی «اندرو نیکول» ظاهر می‌شود. به گزارش ایسنا به نقل از ددلاین «نیکلاس کیج» با نویسندگی و کارگردان «اندرو نیکول» در همکاری با استودیو «واندوم پیکچرز»، دنباله فیلم هیجانی و جنایی «ارباب جنگ» را به سینما می‌آوردند، فیلمی که قسمت نخست آن در سال ۲۰۰۵ ساخته شد و «کیج» در آن، نقش یک دلال بین‌المللی اسلحه به نام «یوری اورلوف» را بازی کرد. در این فیلم جدید« بیل اسکارسگارد» نیز برای بازی در نقش پسر اورلوف انتخاب شده و قرار است این پروژه در بازار جشنواره کن به خریداران بین‌المللی معرفی شود. در دنباله فیلم «ارباب جنگ»، یوری اورلوف (نیکلاس کیج)، بدنام‌ترین قاچاقچی اسلحه در جهان، متوجه می‌شود که پسری به نام آنتون (اسکارسگارد) سعی نمی‌کند اشتباهات پدرش را اصلاح کند، بلکه فراتر از آن نیز می‌رود و یک ارتش مزدور را برای درگیری‌های خاورمیانه و آمریکا جمع آوری می‌کند. این داستان رقابت تلخ این پدر و پسر (یوری و آنتون) است. وقتی پدر و پسر به جنگ بروند، چه کسی پیروز خواهد شد؟ نیکلاس کیج نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی با بازی در فیلم «ماه زده» و «بزرگ کردن آریزونا» به عنوان یک استعداد بازیگری شناخته شد و در نهایت با کسب جایزه اسکار در سال ۱۹۹۵ برای بازی در فیلم «ترک لاس وگاس» به یکی از معروف‌ترین بازیگران سینمای جهان تبدیل شد. او در ادامه در فیلم‌های مهمی چون «صخره»، «تغییر چهره» و «گنجینه ملی» نیز بازی کرد و در سال ۲۰۰۲ برای نقش‌آفرینی در فیلم «اقتباس» برای دومین بار نامزد کسب جایزه اسکار شد. کیج اخیرا در فیلم «رنسفیلد» در نقش دراکولا بازی کرده که از تاریخ ۱۴ آوریل اکران شده و پیش از این نیز فیلم «سنگینی طاقت‌فرسای استعداد فراوان» ساخته «تام گورمیکن» در سال ۲۰۲۲ ظاهر شده بود.

ساخت «مستوران ۲» با تمام چالش‌هایش تمام شد

کارگردان فصل دوم سریال تاریخی «مستوران» از ضبط آخرین سکانس این مجموعه خبر داد. به گزارش ایسنا، سیدعلی هاشمی که کارگردانی فصل دوم سریال «مستوران» را بر عهده دارد، همچنین درباره چالش های دشوار ساخت این مجموعه تلویزیونی تاریخی اظهار نظر کرده است. کارگردان «مستوران» در صفحه شخصی اش در فضای مجازی نوشت : ساخت فصل دوم سریال «مستوران» غیر از چالش کارگردانی یک سریال بزرگ تاریخی برایم چالش بزرگتری داشت: دکوپاژ تمام سکانس های یک سریال. کاری که در کارگردانی سریال های تلویزیون و رسانه ای مان خیلی رواج ندارد ولی من بدون دکوپاژ بسیار کار سختی را برای کارگردانی دارم و علاوه بر آن دکوپاژ توانست به من کمک کند که تا جایی که در توانم بود سرعت تولید و فیلمبرداری را ببرم بالا. هاشمی همچنین عنوان کرده است: در طول حدود یک سال گذشته روزی را بدون دکوپاژ سر نکردم و امروز آخرین سکانس به پایان رسید.

این کارگردان یادآور شده است: وقتی به روان نویس های تمام شده در این مدت نگاه می‌کنم تازه می‌فهمم که چه کار طاقت فرسایی بود. امیدوارم نتیجه خوب شود و تماشاگران از دیدنش لذت ببرند.

«مستوران ۱» به کارگردانی مسعود آب‌پرور و سیدجمال سیدحاتمی به سفارش سازمان هنری رسانه‌ای اوج برای شبکه یک ساخته شد. فصل اول این مجموعه تیر ماه ۱۴۰۱ در ۲۶ قسمت از شبکه اول به روی آنتن رفت.

حمیدرضا آذرنگ، نازنین فراهانی، بیژن بنفشه‌خواه و رؤیا میرعلمی از بازیگران «مستوران ۱» هستند.